

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲؛ نقطه عطف نهضت اسلامی مردم ایران

۲۹ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۳:۰۱

شاه خرسند از سرکوب قیام ۱۵ خرداد، پرونده قدرت مذهبی را بسته دید و طبق سنت سیاسی بلوکی که وابسته به آن بود، چنین انگاشت که تهدیدها و تعارضهای بعدی منشایی جز کمونیستها نخواهد داشت. شاه و دولت‌های بالاسر، با همین تصور، اقداماتی را که اصلاحات، نوسازی و آبادانی نام دادند، آغاز کردند تا زمین‌های احتمالی شورش‌های کارگری و دهقانی را که ممکن بود با سرانگشتان همسایه شمالی شکل گیرد، از بین ببرند...

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به درستی نقطه عطف نهضت اسلامی مردم ایران نام گرفته؛ از این نظر که سرآغاز حرکتی گردید که ۱۵ سال بعد منجر به فروپاشی نظام شاهنشاهی در ایران و جایگزین حکومتی جدید شد.

تقابل برخی گروه‌های اجتماعی با حکومت، از دوره قاجار شکل آشکاری پیدا کرد؛ و از آن جمله بود گروه روحانیان. این رویارویی چه به جهت پیشگامی و چه از نظر عمق آن، تفاوت‌هایی با دیگر گروه‌ها، همچون روشنفکران داشت. ذات این تفاوت به قدرتی بازملاگشت که در نهاد مرجعیت نهفته بود. از این رو وقتی در اول دهه چهل یک بار دیگر روحانیان با نهاد قدرت رو در رو قرار گرفتند، امر بلاسابقه‌ای پدید نیامد. هم در دوره قاجار و هم در دوره پهلوی اوایل این تقابل با ضعف یا شدت خود را نشان داده بود. اما آن چه که پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ را از حوادث پیش از خود متمایز کرد، دگرگونی در اندیشه سیاسی روحانیان بود که بنیانگذار آن کسی نبود مگر امام خمینی.

بیش از این قدرت سیاسی که در پیکر حکومت تجلی مملیافت، با قدرت مذهبی که در نهاد مرجعیت نمایان مملشد، خواسته و ناخواسته معتقد به همزیستی بودند. این اعتقاد با این که در دوره پهلوی اول از طرف رضاشاه مخدوش شد و شاه آشکارا درصد حذف قدرت مذهبی برآمد، اما ناکامی او در مرحله عمل، تجربه‌های شد برای وارث تاج و تخت پهلوی که بپذیرد این دو قدرت تا زمانی که به صورت دو دایره متباین بسر مملبرند، تحمل قدرت مذهبی برای حکومت بلااشکال و چه بسا بلاآندردسر خواهد بود؛ که در واقع چنین نیز بود. بررسی مجموعه حوادثی که در تاریخ معاصر ایران بین قدرت سیاسی و قدرت مذهبی پدید آمده، نشان مملدهد که این دو نهاد، با وجود تخالفها و تقابلهای در طول یکدیگر بسر برده‌اند. پس از قیام ۱۵ خرداد، گسست بلاانظیری میان این دو نهاد به وجود آمد، به نحوی که قدرت مذهبی سنت دیرین همزیستی با قدرت سیاسی را کنار نهاد و در عرض آن قرار گرفت. این پدیده مبتنی بر نظریه‌های تازه بود. نهاد مرجعیت دیگر تمایلی به نظارت یا حمایت از قدرت سیاسی نداشته آن چه مملخواست به دستگیری قدرت سیاسی بود. و این یعنی دگرگونی عمیق در همه ساز و کارهای حکومت: انقلاب. البته این نگاه

جدید در آن اوان عمومیت نداشت، نه در بین روحانیان و نه در بین آحاد مردم، که اگر این چنین بود، آن چه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ رخ داد، پانزده سال زودتر به وقوع می‌انجامید. این اعتقاد ابتدا در وجود امام خمینی و سپس در بین گروهی اندک از شاگردان ایشان پدید آمد. تعمیم و تعمیق آن نیازمند زمان بود.

در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ توان اعتقاد به این نظریه، هم از طرف گروهی از مردم (با ریخته شدن خونشان) و هم از طرف گروهی از روحانیان (با راهی شدن به زندانها) پرداخت شد. امام نیز اگر به زندان افتاد و مدتی تحت نظر قرار گرفت، اگر دولت شاه تصمیم به اعدام ایشان گرفت، اما دلیل حمایت مراجع و روحانیان دیگر از این کار منصرف شد، و اگر به تبعید رفت و پانزده سال دور از وطن ماند، به خاطر اعتقاد به این دیدگاه و پافشاری بر آن بود. امام خمینی برای به کرسی نشاندن این عقیده، شکیبایی را پیشه خود ساخت تا بر اساس سنت تاریخ، زمان مبارزات آشکار و به حرکت واداشتن توده مردم فرا رسد. در سیزدهمین سال دیدهبانی او بود که نخستین حرکت‌های توده‌های پس از درگذشت مرموز فرزند ارشد ایشان در نجف و تلاطمی که آن حادثه در ایران به وجود آورد، آغاز گشت.

شاه خرسند از سرکوب قیام ۱۵ خرداد، پرونده قدرت مذهبی را بسته دید و طبق سنت سیاسی بلوکی که وابسته به آن بود، چنین انگاشت که تهدیدها و تعارض‌های بعدی منشایی جز کمونیست‌ها نخواهد داشت. شاه و دولت‌های بالاسر، با همین تصور، اقداماتی را که اصلاحات، نوسازی و آبادانی نام دادند، آغاز کردند تا زمین‌های احتمالی شورش‌های کارگری و دهقانی را که ممکن بود با سرانگشتان همسایه شمالی شکل گیرد، از بین ببرند، اما آن چه اهمیت داشت تامین امنیت اقیانوس هند و خلیج فارس برای امریکا و نیز فراهم شدن پشتیبان‌های اقتصادی و امنیتی برای اسرائیل بود. شاه در اجرای این ماموریت موفق بود، اما فروش استقلال ایران برای محمدرضا پهلوی بهای سنگینی در پی داشت. او ناخواسته همه اسباب و لوازمی را که اجازه بروز دوباره قدرت مذهبی را می‌داد، فراهم کرد، و زمانی که پرونده به ظاهر بسته شده این قدرت در سال ۱۳۵۷ گشوده شد و قدرت مذهبی برای گرفتن قدرت سیاسی قامت افراشت، ناباورانه کشور را ترک کرد و به احتمال زیاد، با همین ناباوری، مرد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۵۵۸/قیام-۱۵-خرداد-۱۳۴۲-نقطه-عطف-نهضت-اسلام-مردم-ایران>